شنبه
۲۵ مهر ۱۴۰۵- ۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ - ۱۷ اکتبر ۲۰۲۶- شماره ۳۱۵۶-پیاپی ۴۴۷۴

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶

ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com

تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی -۱۰۸)

توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸

تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱

روابط عمومی: pr@smtnews.ir

چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir
telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com
info@smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper
http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

عکس روز

برداشت چای قرمز در روستای علوه

منبع: ایرنا

گاز طبیعی از جمله سوخت‌های فسیلی است که ۲۳ درصد از انرژی دنیا را تامین می‌کند. ذخایر گاز طبیعی جهان در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۰۶ هزار میلیارد مترمکعب برآورد شد که نسبت به سال ۲۰۲۲، حدود ۰.۲۵ درصد رشد داشته است. روسیه دارای بیشترین ذخایر گاز طبیعی در جهان است که سهم ۲۱ درصدی از ذخایر گاز طبیعی جهان دارد.

تولیدکنندگان برتر

ایران بعد از روسیه دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی در جهان است و ۱۶ درصد از ذخایر گاز طبیعی و بزرگ‌ترین میدان گازی (میدان پارس جنوبی مشترک با قطر) در جهان را دارد. ذخایر گاز طبیعی ایران حدود ۳۳,۹۸۸ میلیارد متر مکعب است.

چین با تولید ۲۲۶,۸۰۳ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۲۳، بالاترین نسبت تولید به ذخیره را در بین کشورهای مورد بررسی دارد که حدود ۷ درصد است. پس از آن امریکا که چهارمین کشور با ذخیره بالای گاز طبیعی نیز هست و در سال ۲۰۲۳ حدود ۱,۰۷۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی تولید کرده، بیشترین نسبت تولید به ذخیره گاز طبیعی را دارد.

کشور هند نیز بالاتر از نرم جهانی از ذخایر گاز طبیعی خود استفاده می‌کند و نسبت تولید به ذخیره ۳.۷ درصدی دارد. میزان گاز طبیعی تولیدی هند در سال ۲۰۲۳، حدود ۳۵,۴۵۸ میلیون مترمکعب بود. روسیه دومین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی در جهان در سال ۲۰۲۳، حدود ۶۳۷ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید داشته و نسبت تولید به ذخیره ۱.۴ درصدی دارد.

کشورهای عربستان، ایران، امارات متحده عربی و عراق به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. تولید گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۷۵ میلیارد مترمکعب، عربستان حدود ۱۲۴ میلیارد مترمکعب، امارات متحده عربی ۵۷ میلیارد مترمکعب و عراق ۱۱ میلیارد مترمکعب بوده است.

پر مصرف‌ترین‌های جهان

مصرف گاز طبیعی جهان در سال ۲۰۲۳، حدود ۴۴,۱۰۰ میلیارد مترمکعب بوده و حدود ۱.۲ درصد نسبت به سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است.

سرانه مصرف گاز طبیعی کشورهای مختلف در بازه زمانی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ با تغییرات جزئی همراه بوده است. امریکا، روسیه و چین، پرمصرف‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌روند؛ مصرف گاز طبیعی در سال ۲۰۲۳ در امریکا حدود ۹۲۶ میلیارد مترمکعب، در روسیه به میزان ۴۶۵ میلیارد مترمکعب و در چین بیش از ۳۳۸ میلیارد مترمکعب بود.

ایران با مصرف ۲۶۱ میلیارد مترمکعب، چهارمین کشور پرمصرف گاز طبیعی در جهان به شمار می‌رود. پس از آن کانادا با مصرف ۱۴۴ میلیارد مترمکعب و عربستان سعودی با مصرف ۱۲۳ میلیارد مترمکعب، در زمره کشورهای پرمصرف گاز طبیعی هستند.

امارات متحده عربی با جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفر که حدود ۰.۱۲ درصد از جمعیت جهان را تشکیل داده است، بالاترین سرانه مصرف گاز طبیعی در جهان یعنی ۶,۸۳۱ متر مکعب به ازای هر نفر دارد. امارات متحده عربی حدود ۱.۸ درصد از گاز طبیعی جهان را مصرف می‌کند.

بعد از امارات، عربستان و روسیه در جایگاه‌های دوم و سوم پرمصرف‌ترین کشورهای گاز طبیعی هستند. عربستان دومین کشور پرمصرف گاز طبیعی، مانند امارات جمعیت کمی نسبت به سایر کشورها دارد و تنها ۰.۴ درصد از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد. سرانه مصرف عربستان ۳,۷۱۴ مترمکعب برای هر نفر است.

روسیه نیز بالغ بر ۱۴۵ میلیون نفر و سرانه مصرف ۳,۲۰۲ مترمکعب به ازای هر نفر دارد و سومین مصرف‌کننده گاز طبیعی در جهان به شمار می‌آید. ایران که یک درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، چهارمین مصرف‌کننده گاز طبیعی در جهان با سرانه مصرف ۲,۸۸۱ مترمکعب برای هر نفر است.

مصرف گاز ایران معادل نصف اروپاست

ایران حدود یک درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، اما حدود ۶ درصد از گاز طبیعی دنیا را مصرف می‌کند، به‌طوری که مصرف گاز طبیعی در ایران معادل حدود نصف کل مصرف گاز طبیعی در قاره اروپاست.

رشد فزاینده مصرف گاز و کاهش توانایی پاسخ به تقاضای آن یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در سبد انرژی کشور به‌شمار می‌آید. موضوع ناترازی تولید و مصرف گاز در کشور در سال‌های اخیر با توجه به گسترش روزافزون شبکه توزیع گاز طبیعی و مشترکان بخش خانگی و همچنین توسعه صنایع در کشور اثرگذار بوده و در فصول سرد سال بیشتر نمود داشته است.

بر اساس آمارهای جهانی، سهم گاز طبیعی از سبد انرژی در ایران بیش از ۷۰ درصد است، در حالی که ایالات‌متحده که نخستین تولیدکننده گاز طبیعی در جهان است و بیش از ۲۳ درصد از کل تولید گاز جهان را در اختیار دارد، تنها ۲۴ درصد از سبد انرژی آن به گاز اختصاص یافته است. این نسبت برای ترکیه و روسیه نیز به ترتیب ۲۴ و ۳۶ درصد است. از سوی دیگر، امروز بیش از ۸۰ درصد تولید برق کشور وابسته به گاز است. در واقع به غیر از نیروگاه‌های برق‌آبی و تجدیدپذیر، سوخت ۸۶ درصد سایر نیروگاه‌های تولیدکننده برق به گاز وابسته است و بیش از ۱۰۱ نیروگاه که از گاز طبیعی استفاده می‌کنند، برق همه صنایع را تأمین می‌کنند.

گاز در تأمین سوخت صنایع نیز نقش کلیدی دارد، به‌طوری که هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد صنایع و نیروگاه‌ها وابسته به گاز هستند و بیش از ۳۰ هزار واحد صنعتی بزرگ و مهم کشور که ۹۰ درصد محصولات کشور را تولید می‌کنند، از گاز استفاده می‌کنند.

نقش کلیدی گاز در تأمین انرژی بخش خانگی نیز در آمارها مشخص است، به‌طوری که بر اساس آمار شرکت ملی گاز ایران ضریب نفوذ گاز در بخش شهری اکنون ۹۸.۹۷ درصد و در بخش روستایی ۸۶.۱ درصد است، ضمن آنکه ۲۷.۵ میلیون مشترک شهری و روستایی در کل کشور از انشعاب گاز برخوردارند.

پیامدهای ناترازی

به عقیده کارشناسان، زنگ خطر ناترازی گاز در کشور به صدا درآمده است که رفع این ناترازی افزون بر جلوگیری از پیامدهای منفی آن در اقتصاد کشور، به امنیت بیشتر عرضه این سوخت پاک می‌انجامد و در مناسبت‌های مهم سیاسی با کشورهای منطقه اثرگذار است.

ناترازی گاز پیامدهایی را به‌دنبال دارد که تقریباً همه بخش‌های اقتصاد کشور را درگیر می‌کند. کاهش درآمد، رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی، کاهش درآمدهای صادرات گاز، کاهش سرمایه‌گذاری در صنایع مرتبط با گاز، کاهش جذب سرمایه خارجی و کاهش توانایی رقابتی صنایع داخلی، مهم‌ترین پیامدهای ناترازی گاز در کشور را شامل می‌شود.

راهکارهای جبرانی

روند فزاینده مصرف گاز دربخش‌های مختلف کشور و کاهش چشمگیر افت فشار در میدان گازی پارس‌جنوبی به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع تأمین گاز کشور مؤید این نکته است که باید هرچه سریع‌تر درباره جلوگیری از کاهش تولید گاز در کشور اقدام‌های اساسی انجام شود. این اقدام‌ها فعالیت‌های توسعه‌ای در میدان‌های گازی کشور و استفاده از طرح‌های فشارافزایی در میدان گازی پارس جنوبی، رویکردهای پیشگیرانه و بهینه‌سازی مصرف گاز در همه بخش‌های مختلف و اصلاح الگوی مصرف خانگی را شامل می‌شود که به عقیده کارشناسان، تنها با اصلاح فرهنگ مصرف انرژی می‌توان از این بحران عبور کرد، حال آنکه موارد یادشده نیز در رفع ناترازی گاز بسیار اهمیت دارد.

برنامه‌ریزی برای افزایش بهره‌وری انرژی نیروگاه‌های حرارتی و تأسیسات مصرف‌کننده گاز و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش‌هایی که قابلیت دریافت این نوع انرژی را دارند، از دیگر مواردی است که به‌منظور جلوگیری از کاهش افت تولید گاز در کشور می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر یکی از راهکارهای رفع ناترازی گاز، ذخیره‌سازی است که در شرایط کنونی ماه‌های سرد سال به کمک عرضه گاز طبیعی می‌آیند. ذخیره‌سازی گاز طبیعی مزایای مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها شامل کمک به تأمین گاز در فصول سرد سال، ایجاد امنیت در تأمین گاز و تعادل در شبکه گازرسانی در زمان وقوع حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر، پایداری صادرات گاز، ارزآوری و تقویت موقعیت ژئوپلیتیک کشور، تداوم تأمین در گاز موردنیاز برای تزریق به مخازن نفتی با هدف ازدیاد برداشت، کاهش انتشار آلاینده ناشی از سوخت مایع جایگزین در نیروگاه‌ها و کمک به مدیریت شبکه گازرسانی نقاط مختلف کشور است.

بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، یکی از شاخص‌هایی که به ازای آن می‌توان وضع ذخیره‌سازی گاز در هر کشور را بررسی کرد، سهم ظرفیت ذخیره‌سازی گاز یک کشور از کل میزان مصرف گاز در آن کشور است. به‌طور میانگین سهم ذخیره‌سازی گاز از کل مصرف در دنیا ۱۱ درصد و بین همه کشورهایی که مخزن ذخیره‌سازی گاز دارند، ۱۶.۴ درصد است. این عدد برای اروپا برابر با ۲۳ درصد است و ایران با دارا بودن ۱.۴ درصد ظرفیت ذخیره‌سازی از کل مصرف، رتبه پایینی دارد.

از آنجا که کشور ایران یکی از طولانی‌ترین خطوط توزیع گاز را در اختیار دارد، ذخیره‌سازی گاز در کشور برای افزایش پایداری تولید و امنیت عرضه در شبکه انتقال دارای اهمیت بسیار بالایی است.

موضوع ذخیره‌سازی گاز در ایران که از سال ۱۳۸۶ به‌طور جدی مطرح شد، در سال‌هایی دچار فراز و فرود شد که در نهایت با تأسیس شرکت ذخیره‌سازی گاز، به اجرای دو طرح ذخیره‌سازی گاز در میدان شوریجه و سراجه انجامید. میزان ذخیره‌سازی گاز کشور از طریق دو مخزن سراجه قم با ظرفیت ۱.۲ میلیارد مترمکعب و شوریجه استان خراسان رضوی با ظرفیت ۲.۲ میلیارد مترمکعب در سال انجام می‌شود.

ذخیره‌سازی زیرزمینی و روزمینی گاز و استفاده از آن در فصل سرد برای افزایش پایداری تأمین گاز، اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس شواهد موجود، کشورهای توسعه‌یافته صنعتی نیز که ذخایر نفت و گاز زیادی در اختیار ندارند، برای اینکه در تولید با مشکل روبه‌رو نشوند، از کشورهای خاورمیانه مانند قطر، ال‌ان‌جی خریداری و آن را به گاز طبیعی تبدیل و این گاز را در صنایع استفاده می‌کنند تا تولیدشان در طول سال به‌طور مستمر ادامه داشته باشد؛ موضوعی که در کوتاه‌مدت می‌تواند اثرها و نتایجی مطلوب داشته باشد.

یادداشت

ابلاغیه‌های کاغذی

هاشم اورعی
کارشناس حوزه انرژی

تامین انرژی در سال‌های اخیر به موضوعی چالشی تبدیل شده و دولت در راستای رفع این چالش برنامه‌های گوناگونی را تدوین و اجرایی کرده که شاید از بارزترین و در جریان‌ترین این راهکارها بتوان به قطع برق و گاز اشاره کرد، اما این راهکارها به‌طور قطع نمی‌تواند راهکارهایی دائمی باشد و باید فکری اساسی برای این مشکل کرد. شاید در راستای رفع دائمی همین مشکل است که دولت در برنامه هفتم توسعه تکلیفی مبنی بر عرضه ۱۰ درصد از توان تولید گاز کشور به شرکت‌های متقاضی غیردولتی تا پایان این برنامه را درج کرده است؛ تکلیفی که به‌اعتقاد کارشناسان نه‌تنها اجرایی نخواهد بود، بلکه گمانه‌ای مبنی بر تلاش دولت برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت را شکل می‌دهد، زیرا باوجود تجربه شکست‌خورده راه‌اندازی نیروگاه و تولید برق ازسوی صنایع، به‌تازگی آیین‌نامه توسعه و افزایش تولید میادین گازی که از بندهای محوری آن سرمایه‌گذاری صنایع انرژی‌بر و واحدهای پتروشیمی در تولید گاز است برای اجرا ابلاغ شده است. این در حالی است که به‌اعتقاد کارشناسان سرمایه‌گذاری در حوزه گاز به‌دلیل نیاز به سرمایه و فناوری بالاتر اقدامی به‌مراتب سخت‌تر از سرمایه‌گذاری در حوزه برق است. براساس آیین‌نامه توسعه و افزایش تولید میادین گازی با تخصیص گاز تولیدی به واحدهای صنعتی انرژی‌بر و واحدهای پتروشیمی، سرمایه‌گذاران هر یک از صنایع انرژی‌بر و پتروشیمی‌ها می‌توانند منفرداً یا به‌صورت گروهی از طریق مشارکت با شرکت‌های اکتشاف و تولید دارای صلاحیت نسبت به سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه میادین گازی جدید کشور از طریق انعقاد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران یا سایر سازکارهای قانونی موضوع بند (ب) ماده (۱۵) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳ اقدام کنند. همچنین وزارت نفت با استفاده از ظرفیت‌های قانونی شرکت ملی نفت ایران و سازکارهای رقابتی، نسبت به واگذاری فعالیت توسعه با افزایش تولید میادین گازی جدید به سرمایه‌گذاران و فروش گاز غنی با استفاده از انواع روش‌های قراردادی اقدام خواهد کرد. در ادامه این آیین‌نامه آمده است: در راستای اجرای بند (الف) ماده (۲۲) قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۳، وزارت نفت مکلف است در خصوص فعالیت‌های توسعه‌ای و افزایش تولید میادین گازی و نفت در هر مقیاس نسبت به انجام مطالعات ارزیابی اثرات محیط‌زیستی اقدام و موافقت سازمان حفاظت محیط‌زیست را اخذ کند.

ماده ۳ این آیین‌نامه می‌گوید: وزارت نفت مکلف است گاز طبیعی تولیدی حاصل از اجرای طرح‌های موضوع این آیین‌نامه را در اولویت تخصیص به واحدهای صنعتی قرار دهد. در ماده ۴ تاکید شده است: تولیدات گازی حاصل از توسعه میدان یا طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل متعلق به سرمایه‌گذار است. ماده ۵ آیین‌نامه تاکید دارد: با درخواست سرمایه‌گذار در طول مدت قرارداد وزارت نفت به میزان مصرف واحدهای صنعتی زیرمجموعه سرمایه‌گذار در نقاط قابل تحویل و با رعایت امکان فنی شبکه سراسری گاز نسبت به تخصیص گاز طبیعی میادین اقدام می‌کند. براساس تبصره این آیین‌نامه نیز شرکت ملی نفت ایران با رویکرد کاهش ناترازی گاز طبیعی مکلف است تا ۱۰۰ درصد گاز طبیعی اضافی تولیدی طرح توسعه را به سرمایه‌گذار تخصیص دهد.

این آیین‌نامه درحالی ابلاغ شده که در سال‌های اخیر دولت سیاست ورود صاحبان صنایع به‌ویژه صنایع انرژی‌بر به حوزه تولید انرژی را به‌عنوان راه‌حل کاهش ناترازی در این بخش مطرح کرده و در نخستین گام برق هدف اقدام قرار گرفته است. اما آیا در این چند سال توفیقی در این زمینه حاصل شده است؟

تجربه نشان داده ورود صنایع به حوزه تولید انرژی، دستاورد مثبتی نخواهد داشت که راه‌اندازی نیروگاه بدون هیچ بازدهی ازسوی برخی صنایع در چند سال گذشته تاییدی است بر این ادعا. دلیل این شکست نیز این است که تولید انرژی کاری به‌شدت تخصصی است و صنایع گوناگون در حوزه مربوط به خودشان مهارت و تخصص دارند. اصلا منطقی هم وجود ندارد که صنایع متخصص در حوزه‌ای خاص مانند سیمان یا پتروشیمی با کاهش تمرکز بر حوزه فعالیت خود برای تولید انرژی اقدام کنند. اگر قرار است این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری جدیدی انجام دهند، بهتر است سرمایه‌گذاری‌شان در بخش مربوط به حوزه فعالیت خودشان باشد.

تجربه‌های پیشین نیز نشان داده که چنین سیاست‌هایی به موفقیت نمی‌رسد. این تجربه قبلا در مورد انرژی برق تکرار شده و بر اساس شواهد اگر ورود صنایع به موضوع تولید برق تاثیر گذاری مثبتی داشت، ما نباید اکنون شاهد زمینگیری صنایع با قطعی برق می‌شدیم.

به‌لحاظ قانونی نیز نمی‌توان صنایع را ملزم به خودتامینی انرژی کرد، زیرا صنایع پیش از این در ازای پرداخت هزینه به نهاد رگولاتور انرژی و در اینجا مشخصا وزارت نیرو، اشتراک برق برای خود خریداری کرده و این نهاد ملزم به شارژ این اشتراک در ازای دریافت هزینه مصرفی و دیگر هزینه‌های مترتب است. عدم‌مطلوبیت سیاست ورود صنایع به حوزه تولید انرژی به طریق اولی در حوزه گاز هم صادق است. در حوزه تولید گاز دو موضوع مانع از ورود آسان بخش خصوصی می‌شود؛ نخست اینکه میزان سرمایه مورد نیاز در این بخش بسیار بالاست، در حالی که دوره بازگشت سرمایه یعنی بازدهی سرمایه‌گذاری طولانی است و دوم اینکه این بخش نیازمند فناوری بسیار بالا و پرهزینه است که تامین آن جز ازسوی برخی شرکت‌های خاص میسر نیست.

به نظر می‌رسد اعمال طرح‌هایی چون ورود صنایع به حوزه تولید انرژی برق و گاز را حساب‌نشده و ناشی از عدم دقت به جزئیات دارد. اگر هدف دولت این است که فقط جذب سرمایه انجام دهد و باقی امور از جمله توزیع، انتقال، فروش و... در ید مدیریت و قدرت خودش باشد، چه جذابیتی برای سرمایه‌گذار برای ورود به این حوزه وجود خواهد داشت؟ در سناریویی دیگر ممکن است دولت اجازه ورود به صفر تا صد کار تولید تا توزیع و فروش انرژی را به سرمایه‌گذار بدهد؛ آیا در آن صورت سرمایه‌گذار توان هماهنگی با چندین نهاد مرتبط به‌فرض مثال فقط در یک مورد لوله‌کشی گاز را دارد؟ اینها مسائلی است که درباره آن فکر نشده است.

آنچه از چنین طرح‌هایی برداشت می‌شود این است که دولت در پی رفع مشکل نیست، بلکه به‌دنبال آن است که از زیر بار مسئولیتش شانه خالی کند. البته این گفته به‌معنای مخالفت من با خصوصی‌سازی حوزه انرژی نیست. من معتقدم حوزه انرژی نیز باید خصوصی شود؛ مانند آنچه که در کشورهای دیگر هم وجود دارد، اما مسئله این است که این اقدام باید طی یک اولویت‌بندی انجام و البته تنها بخش‌هایی از این حوزه‌ها به دست بخش خصوصی سپرده شود. به‌طور مثال باید بخش‌های حساس مانند انتقال همچنان در اختیار دولت باشد و بخش‌هایی چون استخراج و توزیع را به بخش خصوصی واقعی واگذار کرد.

درحقیقت ورود بخش خصوصی به حوزه اقتصاد اصلی پذیرفته و منطقی است؛ اما اینکه این هدف در قالب چه طرحی تحقق پیدا کند نیز مهم است. حوزه انرژی نیز از این قاعده مستثنا نیست و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای توسعه این بخش قطعا نتایج مثبتی به‌همراه خواهد داشت؛ به‌شرط آنکه این ورود حساب‌شده و با دقت در جزئیات باشد. صنایع کلان که طبیعتا منابع بهتری برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی در اختیار دارند، اهداف مناسبی برای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی نیستند و بهتر است سرمایه آنها برای توسعه حوزه تخصصی‌شان به کار گرفته شود و اگر قرار است توسعه‌ای در حوزه انرژی با سرمایه‌های بخش خصوصی صورت گیرد باید طی یک اولویت‌بندی، آنهم فقط در برخی از بخش‌های غیرحساس با شکل‌گیری و فعالیت شرکت‌های متخصص حوزه انرژی باشد. بر این مبنا طرح‌هایی چون ورود صنایع برای تولید برق و گاز را می‌توان تنها نمایش پویایی دولت در تامین انرژی دانست. تجربه برون‌سپاری تامین برق به صنایع نیز همواره مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان قرار گرفته است. دلیل انتقاد این است که بنگاه‌داری و نیروگاه‌داری دو تخصص جداگانه هستند و نمی‌توان آنها را با یکدیگر ادغام کرد.